



نمونه ای از تلاش امام موسی کاظم(ع) در مقابل انحراف فکری

هفتمین امام شیعیان، حضرت موسی بن جعفر(ع) است که مسلمانان او را به دلیل حلم و بردباری اش در برابر معاندان و فرونشاندن غیظ و خشم خویش در مقابل دشمنان لقب کاظم داده اند.

هفتمین امام شیعیان، حضرت موسی بن جعفر(ع) است که مسلمانان او را به دلیل حلم و بردباری اش در برابر معاندان و فرونشاندن غیظ و خشم خویش در مقابل دشمنان لقب کاظم داده اند.

تولد آن حضرت به سال 128 در ابواء، که منطقه ای میان مکه و مدینه است، از مادری با نام حمیده برپره بوده است. امام کاظم پس از شهادت پدر بزرگوارش در سال 148، رهبری شیعیان را بر عهده گرفت و عمر شریف خود را در مدینه و بغداد گذراند. یکی از تلاش های امامان شیعه در طول حیاتشان آن بود که در برابر اهل حدیث بایستند، به طوری که در موارد لازم تحریفات و جعلیات را پاسخ داده و همچنین برداشت های عامیانه و ظاهرا نه آنان را در تفسیر برخی از آیات متشابه و احادیث را نشان دهند.

به مناسبت هفتم ماه صفر، سالروز ولادت امام کاظم(ع) به نمونه ای از این مواضع در حیات فکری ایشان اشاره می کنیم. گلچین خبرآنلاین از کتاب «حیات فکری و سیاسی امامن شیعه» نوشته دکتر رسول جعفریان را در ادامه می خوانید.

توضیح امام کاظم(ع) درباره حدیث حرکت خداوند در آسمان دنیا

یکی از روایاتی که اهل حدیث به آن تمسک کرده و فراوان نقل می کردند، حدیث «نزول خداوند به آسمان دنیا» بود. ابوهریره می گوید: «رسول خدا فرمود: خداوند هر شب در ثلث باقیمانده از شب به آسمان دنیا فرود می آید و ندا می دهد: کیست مرا بخواند تا اجابتش کنم؟ کیست استغفار کند تا من او را بیامرزم؟»

پذیرفتن ظاهر چنین روایتی بدین صورت، مستلزم اعتقاد به تشبیه و نیز قبول جابجایی خداوند از مکانی و مکان دیگر است. اهل حدیث آشکارا این اعتقاد را مطرح کرده و به احادیث دیگری نیز در این باب استناد می کردند. در طبقات الحنابلة آمده است احمد بن حنبل که حاصل جریان فکری اهل حدیث بود و خود اندکی آن را تعدیل کرد، معتقد بود: «برای خداوند، عرش وجود دارد و کسانی آن عرش را به دوش می کشند. خداوند بر عرش خود نشسته است و بزرگی و اندازه اش حدی ندارد. او به حد خود داناست ... خداوند حرکت می کند، سخن می گوید، نگاه می کند، می بیند، می خندد ... قلوب بنده های خود میان دو انگشت از انگشتان خداوند است ... و خداوند آدم را با دست خود مانند صورتش خلق کرد.»

در باب نشیمنگاه خداوند نیز معتقد بود که به اندازه چهار انگشت جای خالی وجود دارد که محل نشستن رسول الله(ص) در کنار وی است. این عقاید بر اساس روایات تحریف شده و یا جعلی بود که به دست احمد بن حنبل رسیده بود.

این روایات پیش از این در دست مردم پراکنده شده بود و همین مساله سبب سوال مکرر شیعیان از ائمه درباره آن احادیث بود. درباره این حدیث از امام کاظم سوال شد. یعقوب بن جعفر الجعفری می گوید، نزد امام کاظم از کسانی سخن به میان آمد که گمان می کردند خداوند به آسمان دنیا فرود می آید.

امام در پاسخ فرمود: «خداوند فرود نمی آید، نیازی ندارد تا فرود آید. در نگاه او دوری و نزدیکی برابر است، نه نزدیکی به نزد او دور است و دوری به نزد او نزدیک. او نیاز به هیچ چیز ندارد، بلکه همه به او نیازمندند. او صاحب انعام و فضل است، جز او خدایی نیست، خدای قدرتمند و حکیم. اما درباره سخن کسانی که گفته اند: خداوند فرود می آید! این را کسی می گوید که خدا را به نقص و زیادت متصف کرده است. هر متحرکی نیاز به محرک دارد تا او را به حرکت درآورده و یا به کمک آن به حرکت درآید، پس کسی که به خدا چنین گمان هایی ببرد، هلاک می شود. در توصیف خدا، از صفاتی که به نقص و زیادت، تحریک و تحرک، انتقال و فرود آمدن، برخاستن و نشستن محدود سازد، بپرهیزید. خداوند بالاتر و برتر از وصف این گونه وصف کنندگان و توهم این گمان کنندگان است. بر خداوند قدرتمند بخشنده که تو را هنگام ایستادن و در میان سجده کنندگان می بیند، توکل کن.»